

گردشگری

آبی چنین زلال
فقط می توانست توصیفی از بهشت باشد
شنا در منگره؛ تجربه ای خنک
در گرمای خوزستان



روز احمدزاده، راهنمای طبیعت گردی

برای پیدا کردن یک جاذبه و رفتن به یک مکان جدید، همیشه هم لازم نیست که دست به دامان فضای مجازی و موتورهای جستجوگر در اینترنت شد. با چند تماس تلفنی و صحبت با دوستان اهالی سفر در شهرهای دیگر می شود یک سفر دو روزه را برنامهریزی کرد. به میانه هفته که می رسیم همیشه در حال جستجو برای سفر آخر هفته هستیم و از قضا این هفته با یکی از دوستان خرم آبادی مان در حال مکالمه بودیم که برای آخر هفته به یک برنامه جذاب دعوت شدیم و بدون تعلل پذیرفتیم. هم فال بود و هم تماشا. هم مکانی جدید را می دیدیم و هم با دوستان جدیدی آشنا می شدیم. چهارشنبه وسایل را آماده کردیم که پنجشنبه به سمت خرم آباد حرکت کنیم و در آخرین لحظات دوست دیگری نیز به جمع مان اضافه شد. یکی از خصوصیات خوب اهالی سفر همین همیشه آماده سفر بودنشان است، فقط مقصد را می پرسند و بار و بنه ضروری برای آن سفر، این خصیصه را بسیار دوست داریم که بی بهانه فقط به دنبال گذران اوقاتشان به بهترین شکل ممکن هستند. پنجشنبه بعد از ظهر به سمت لرستان حرکت کردیم و شام در منزل یکی از دوستان در خرم آباد بودیم. از عادات همیشگی طبیعتگردان در مواقعی که دور هم جمع می شوند بازگو کردن خاطرات سفر است. شنیدن خاطرات سفر دیگر دوستان هم همیشه برای من جذاب است، چرا که نه فقط در لحظات شیرین زندگی شان من هم شریک می شوم و چند دقیقه های لیخند بر صورت من می نشیند، بلکه همیشه خاطرهای را برام سرشار از درس و آموزه هستند. کوله خاطره هامان هنوز پر بود اما توان بیدار ماندن نداشتیم، پس خواب را ترجیح دادیم تا صبح زود سرحال بیدار شویم. صبح زود روز جمعه سر قرار حاضر شدیم و با مینی بوس به سمت جاده اندیمشک حرکت کردیم. صحانه را در کنار چشمه ای در میانه اتوبان زال خوردیم و چند ساعتی بعد به مقصد رسیدیم. هوا پس ناخوادمانه گرم بود اما رودی که در پایین دست جاده به آرامی در حرکت بود نوید خنکی می داد. سرازاری با منی شناختیم و از گرمای دل رود پناه بردیم. اینجا منطقه منگره از توابع اندیمشک بود که در شمال اندیمشک واقع شده و درای که قرار بود ما مسافتی از آن راه آب بازی بپردازیم. در منگره رودی که عمق، با جریان ملایم اما حوضچه های ایمن برای شنا در آن جریان داشت. همان ابتدای مسیر دو انتخاب داشتیم: یک پرش در حوضچه و یا عبور از مسیر پاکوب که خب پر واضح است ما پرش را انتخاب کردیم. هر چه جلوتر می رفتیم از اینهمه زیبایی متعجب تر می شدیم. آبی چنین زلال و سبز و آرام فقط می توانست توصیفی از بهشت باشد اما حالا مادر خوزستان گرم داشتیم در بهشت قدم می زدیم.

نگاهی به نمایش «تا اطلاع ثانوی»

دستورالعملی برای تولید یک نمایش ارزان قیمت



احسان زبور عالم

استریندبرگ خود آن را «پازلی از قطعات متعدد» توصیفش کرده است. شاید مشکل اصلی از این ناپدید شدن ناشی از ترجمه واژه باشد. نمایشنامه مجلسی هیچ بار معنایی برای من ایرانی ندارد. مجلس در عربی به معنای مکان جلوس است، یعنی جایی که می نشینند؛ اما Chamber چه در زبان انگلیسی و چه فرانسوی به معنای اتاق است. عبارت انگلیسی ترجمه در اینجا نمایشنامه استریندبرگ نیست؛ بلکه دلیل آن سرعت و تأثیر آن بر تئاتر جهان است. تأثیری که با اصطلاح قابل توجه «نمایشنامه مجلسی» یا Chamber Play یا پدید می آید، عبارت تری بر آمده از عبارت Chamber Music که شاید بیش از آنکه روی تئاتر اثر گذاشت، سینما را با عبارت جالب Kammerspiel فیلم در دهه بیست تحت الشعاع قرار داد. برای تئاتر ما نمایشنامه مجلسی چندان مهم نبوده است. دربارش کتابی نوشته نشده است. پژوهش جدی درباره آن نشده است. نمایشنامه نویسان چندین بدان علاقه نداشته اند. بعید می دانم دانشجویان چندان نسبت بدان کنجکاو شده اند. چیزی که

«درام مدرن در نظریه و عمل» استریندبرگ نمایشنامه های مجلسی را علیه نمایشنامه خوش ساخت و تئاتر تجاری می آفریند و اولین گام هم می شود نمایشنامه مشهور «دوشیزه ژولی» که بعدها با اجرای راینهارت، نمایش مجلسی به گونه ای مهم در دهه بیست میلادی بدل می شود. به عبارتی اگر متن این گونه از



آن استریندبرگ باشد، در اجرا ابداعش به راینهارت بازمی گردد. در این نمایش های همه چیز به سادگی دنبال می شود. سه پرده و اندکی شخصیت کلیت متن را تشکیل می دهند. به جای روایت یک داستان خوش ساخت، این روابط افراد است که کنش و انگیزش دارماتیک را شکل می دهند. نمایش مجلسی قرار است در یک فضای کوچک که اساساً اتاقی از یک خانه است، اصطلاحاً میان یک مثلث شخصیتی را بازتاب می دهند. شاید برای ما «بازی استریندبرگ» دورنمات نمونه قابل تأملی از یک نمایش مجلسی مدرن باشد، فیلم اجرای حمید سمندریان موجود است و به گفته مهام میقاتی، مبنی بر اینکه سمندریان متأثر از نگرش هنری راینهارت بوده است، شاید آن اجرا را بتوان تفسیری از نمایش مجلسی دانست.

که تنها یک خانه، توجه داشته باشید، یک خانه آنها را به یکدیگر مرتبط می کند. نمایش در سه پرده رخ می دهد و در هر پرده یک روایت تکرار می شود. در هر روایت هدف یک چیز است: نسبت خواهرها و برادر به خانه. در هر پرده یکی از آنان نسبت خودش را با خانه مخدوش می کند تا ما به یک روایت مستقیم دست پیدا نکنیم. قصد ندارم چندان درباره این فرم روایی صحبت کنم، قصدم تمرکز روی نمایش مجلسی است. چیزی که با دیدن «تا اطلاع ثانوی» ذهنم را مشغول کرد. اینکه به چه میزان مناسبات اجرایی نمایشنامه های مجلسی در امروز تئاتر ایران می توانند قابل توجه باشند و از قضا ویژگی های بصری و اجرایی اثر میرزا آقا این موضوع را به ذهنم متبادر کرد.

در وضعیت اقتصادی امروز ایران نمی توان خطر کرد و نمایشی عظیم بدون حضور عوامل و فاکتورهای گیشه پسند تولید کرد. حتی تولید یک «هملت» عظیم بدون حضور بازیگری ستاره، بدل به یک شکست تجاری خواهد شد؛ هر چند همه عالم و آدم شکسپیر را مهم ترین چهره درام جهان بدانند. پس در این وضعیت کارگردان در تولید اثر هنری خود مجبور است تا جای ممکن اثر خود را تقلیل گرایانه تر تولید کند. بازیگرانش را کمتر کند، متنی برگزیند که حواشی کمتری داشته باشد و تا جای ممکن دکور و صحنه را به صفر نزدیک کند. از سوی دیگر حذف تعلقات صحنه در نمایش های ایرانی با نقادزادی رویه رو شده است. نمایش های لختی که مشخص است کارگردان بدون هیچ دراماتورژی و صرفاً برای کاهش هزینه، به حذف اپسیس نمایش خود اقدام کرده است. نمایش «تا اطلاع ثانوی» در گیر این حذف بی دلیل نشده است؛ در عوض به سوسی نوعی دکور مجاز گونه رفته است، دکوری که هم ساخته شده است و هم اندک. قرار است با صندلی مینا میرزا آقا بود که در تماشاخانه انتظامی روی صحنه رفت. نمایش روایتگر مناسبات عاطفی و اقتصادی دو خواهر و یک برادر است.

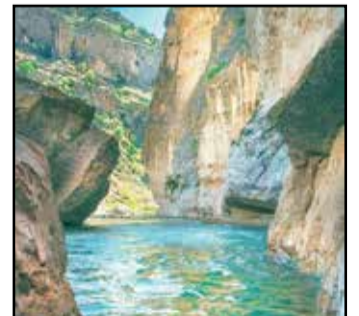
نمایش «تا اطلاع ثانوی» در گیر حذف بی دلیل تعلقات صحنه نشده است؛ در عوض به سوسی نوعی دکور مجاز گونه رفته. دکوری که هم ساخته شده است و هم اندک. قرار است با صندلی و میز و یک پیشخوان، یک «خانه» متبادر شود؛ اما قرار نیست یک نمایش خوش ساخت هم در دل این خانه پدید آید. بلکه قصد بازی با فرم های روایی است

همین جاست که استریندبرگ و نگرشش به اجرا مطرح می شود. میرزا آقا- نمی دانم چقدر به این نویسنده سوئدی فکر کرده است- با یک داستان نسبتاً ساده، اما بازیگوشانه در روایتگری، سه بازیگر جوان و آن دکور محدودش، در سه پرده اثری تولید می کند که مخاطب را در گیر موضوع درونی خود کند، اینکه نسبت انسانی ما در مقام برادر و خواهر، به چه میزان به خانه وابسته است. موضوعی که از هیچ یک از مادور نیست. روزگار اکنون ما با خانه گره خورده است. مادر باره تملک خانه فکر می کنیم. با بالا رفتن قیمتش بنیاد فکری و زندگیمان دگرگون می شود؛ پس خانه در مقام بنیان نمایشنامه و آنچه این برادر و خواهرها با خانه خواهند کرد برای ما مهم می شود. میرزا آقا هم دست به کار چندین شاقی نمی زند. از ترفندهای لازم بهره می برد. کمی کمدی چاشنی کارش می کند و در هر پرده، در یک بزنگاه ورق را برمی گرداند. هر چند شاید همین نقطه چرخش دراماتیک کمی ساده از زیبایی شود؛ اما واقعیت آن است که نمایش نه ادعایی دارد و نه تلاشی می کند کسی را گیج کند. شاید در متون ساده استریندبرگ هم با چنین شرایطی روبه رو باشیم. هر چند در «سونات شخ» استریندبرگ همین نمایش مجلسی ساده را بدل به اثری سوررئال و پیچیده می کند با انبوهی از مفاهیم معنوی و ذهنی؛ اما به نظر می رسد ترفندهای فرمی استریندبرگ با اقتصاد امروز ایران هم خوانی دارد. هم می توان با تکیه بر تیم جمع و جوری نمایشی تولید کرد و هم از این دشمنی تئاتر ایران درام خوش ساخت- که خودش یک پژوهش مفصل است- تبعیت کرد. به عبارتی با اندک پولی کاری بازیگوشانه ساخت.

جشنواره

در اختتامیه دومین جشنواره کتاب سال معلم مطرح شد؛

حذف کتابخانه ها و پست کتابدار از مدارس بسیار ناراحت کننده است



دبیر کل نهاد کتابخانه های عمومی کشور در اختتامیه دومین جشنواره کتاب سال معلم ویژه معلمان مولف کشور گفت: حذف کتابخانه ها و پست کتابدار از مدارس بسیار ناراحت کننده است و پیشنهاد اولیه ما ایجاد ساعت کتابخوانی به صورت هفتگی در مدارس است. به گزارش ایبنا، آیین اختتامیه دومین جشنواره کتاب سال معلم ویژه معلمان مولف، ۱۴ تیر ماه در سالن همایش معلم اردوگاه شهید منتظری شهر یار بر گزار شد. دبیر کل نهاد کتابخانه های عمومی کشور در این مراسم ضمن تبریک روز قلم و ابراز خرسندی از حضور در میان معلمان، اظهار داشت: یاد شهید باهنر، اولین وزیر آموزش و پرورش که پس از انقلاب اسلامی پایه گذار این موضوع بودند را گرامی می دارم؛ شخصی که تا به امروز تمامی فرهنگیان از او به نیکی یاد می کنند و اساساً آموزش و پرورش پس از انقلاب اسلامی با نام وی شناخته می شود. مهدی رضانی به معلمان حاضر در این مراسم گفت: از شما عزیزان که در عین پرداختن به موضوع تعلیم و تربیت،

از قلم غافل نشدید و قدر قلم را با آثار خود گرامی داشتید، قدر دانی می کنم. از شما عزیزان تقاضا دارم به همان نسبت، شاگردان و دانش آموزان خود را نیز به کتاب و کتابخوانی دعوت و تشویق کنید تا آینده درخشانی را در این حوزه رقم بزنیم. رضانی با اشاره به حذف کتابخانه ها و پست کتابدار از مدارس گفت: این موضوع بسیار ناراحت کننده است؛ درست است که همه ما با کتاب مانوس هستیم، اما متأسفانه امروز این موضوع به صورت مستقل، منسجم و منظم در مدارس مورد توجه نیست. وی افزود: در جلسات متعدد با مسئولان در شورای معلمان، اظهار داشت: یاد شهید باهنر، اولین وزیر آموزش و پرورش که پس از انقلاب اسلامی پایه گذار این موضوع بودند را گرامی می دارم؛ شخصی که تا به امروز تمامی فرهنگیان از او به نیکی یاد می کنند و اساساً آموزش و پرورش پس از انقلاب اسلامی با نام وی شناخته می شود. مهدی رضانی به معلمان حاضر در این مراسم گفت: از شما عزیزان که در عین پرداختن به موضوع تعلیم و تربیت،

لزم ایجاد زمینه گفت و گو با نسل جدید گفت: شما معلمان بهتر از ما می دانید که نسل جدید، نسل متفاوتی است. دامنه لغات و واژگان این نسل در حوزه های مختلف بسیار متفاوت شده و برای برقراری ارتباط با این فضای جدید، همه ما نیاز به گفت و گو، مطالعه و درک متقابل داریم تا بتوانیم آینده ای روشن رقم بزنیم. رضانی افزود: از شما تقاضا دارم همانگونه که خود به کتابخوانی اهتمام داشته اید، دانش آموزان خود را نیز به مطالعه و نوشتن، فراتر از موضوعات درسی مرسوم دعوت کنید. ما نیز همه تلاش خود را به کار می بندیم تا بتوانیم در نهاد میزبان خوبی برای شما عزیزان و شاگردان و دانش آموزانتان باشیم. وی در خصوص لزوم تعامل و هم افزایی نهاد و آموزش و پرورش، گفت: نهاد دارای حدود ۳۹۰۰ کتابخانه در سراسر کشور است؛ بنابراین امکان تجهیز کتابخانه های مدارس از توان ما خارج بوده و وظیفه ما نیست؛ اما می توانیم نزدیک ترین کتابخانه عمومی به هر مدرسه را به عنوان منشا



خدمات کتابخوانی در آن مدرسه معرفی کنیم. رضانی با اشاره به موانع ورود کتاب و کتابخوانی به آموزش و پرورش، گفت: اساساً ساختار آموزش و پرورش پذیرای ورود هم افزایی در این حوزه نیست که امیدواریم در این دوره زمینه های همکاری ایجاد شود. دومین جشنواره کتاب سال معلم در ۲۲ موضوع با اهدافی چون شناسایی و معرفی فرهنگیان مؤلف، کمک به اعتدالی سطح دانش و فرهنگ مکتوب جامعه فرهنگیان؛ حفظ استقلال و هویت فرهنگی و ویژه تمامی فرهنگیان شاغل در مدارس، مراکز پرورشی و ادارات داخل و خارج از کشور (رسمی، پیمانی، قراردادی، حق التدریس و...) بر گزار شد و نفرات برگزیده خود را شناخت.